

طرح فیلم نامه کانتینر

نادر فرشیدی صاحب کارخانه تولید ورق های آلومینیومی با 45 سال سن و قد متوسط، موهای مشکی و پشت می باشد. او صبح ها دور محوطه کارخانه می دود و ورزش می کند. نادر سال 1400 از بانک تسهیلات می گیرد تا کارخانه اش را توسعه داده و تولید و صادرات را افزایش دهد. همچنین با این تسهیلات، با یک شرکت چینی قرارداد خرید دستگاه برش لیزری را منعقد می کند.

چند روز بعد کانتینر حامل دستگاه از گمرک به سمت کارخانه نادر حرکت می کند. در کارخانه نادر و کارگران به استقبال کانتینر می روند تا آن را تخلیه کنند. در کانتینر باز می شود اما خبری از دستگاه نیست. نادر به دنبال نشانه، تریلی را بررسی می کند ناگهان با پلاک دستکاری شده تریلی مواجه می شود. بارنامه را از سعید راننده تریلی می گیرد و پلاک ثبت شده در آن و پلاک تریلی را مقایسه می کند اما مطابقت ندارند.

آقای فرشیدی روانه گمرک می شود و موضوع را با مسئول ایستگاه **x-ray** در میان می گذارد. آن ها مشغول بررسی فیلم های دوربین مدار بسته می شوند اما فیلم لحظه جابجایی در آن نیست. نادر متعجب و ناراحت از ایستگاه **x-ray** بیرون می رود که گوشی اش زنگ می خورد. از کارخانه به او خبر می دهند که بانک در حال پلمپ در کارخانه است. تماس بعدی اش هم از بانک است مبنی بر اینکه خانه را تا فردا تخلیه کنید که به حکم دادگاه به مصادره بانک در می آید. در حین گفتگو، سرکارگرس را می بیند که کنار تریلی ایستاده و درحال بارگیری ورق های آلومینیومی است. نادر با او تماس می گیرد و از وضعیتش می پرسد. او جواب می دهد که در یک سفر کاری است.

نادر مشکوک می شود و او را تعقیب می کند تا به کارخانه کریمی می رسند. چون کریمی نماینده مجلس است، ورود و خروج شدیداً کنترل می شود و هر کسی اجازه ورود ندارد. نادر از کامران یکی از مشتریان کی خواهد تا ورق های آلومینیومی را از کارخانه کریمی سفارش دهد و نتیجه را به او اطلاع دهد. نصف قیمت بودن ورق های آلومینیومی نتیجه ای است که کامران به اطلاع نادر می رساند.

نادر با کامران یکی از مشتریان تماس می گیرد و از او می خواهد تا مبلغ را واریز کند و با او قرار رفتن به کارخانه کریمی می گذارد و برای اینکه توسط نیما شناسایی نشود، خود را در تریلی پنهان می کند. تریلی حبیبی وارد انبار کارخانه می شود و شروع به بارگیری می کند. نادر هم به صورت پنهانی نگاهی به انبار می اندازد و ناگهان چشمش به کانتینر می افتد. با حبیبی تماس می گیرد و از او می خواهد تا پلاک کانتینر را برای او بخواند. پلاک درست است و تریلی و کانتینر پیدا می شوند.

وقتی نادر و کامران ورق های آلومینیومی را بررسی و زیر و رو می کنند، به نظرشان می رسد که عرض ورق ها کم است در بررسی بیشتر به ورق باریکی می رسند که کلمه **china** روی آن برق می زند این ورق باریک را در ادامه یکی از ورق ها می گذارند و اندازه می گیرند. معلوم می شود که با این ورق باریک اندازه ورق ها درست می شود اما برش آن بهترین راه لو نرفتن وارداتی بودن آن می باشد.

نادر برای اینکه کانتینر را از کارخانه کریمی خارج کند، مجدداً تصمیم به خرید می‌گیرد اما این بار با شه‌ریار عظیمی یکی دیگر از مشتریانش تماس می‌گیرد تا سفارش خرید دهد و باهم به آن جا بروند.

وقتی تریلی شه‌ریار وارد انبار کارخانه می‌شود تا بارگیری کند، نادر به طور پنهانی در سرویس بهداشتی انبار پنهان می‌شود تا در فرصت مناسب که نیما از تریلی دور می‌شود، سوار تریلی شود و آن را بیرون ببرد. اما کریمی از داخل دوربین نادر را می‌بیند و به نیما بیسیم می‌زند که در دستشویی را ببندد و کانتینر را بیرون ببرد. نادر موفق می‌شود از سرویس بهداشتی فرار کند و به سمت تریلی می‌دود اما کریمی دکمه ریموت را می‌زند و تریلی را منفجر می‌کند و نادر هم زمین می‌خورد.

رییس ایستگاه **x-ray** به همراه نیروهای امنیتی سر می‌رسد و کریمی را دستگیر می‌کنند. با دستگیری کریمی و نیز رییس بانک پرونده باندها مافیای واردات ورق‌های آلومینیوم بسته می‌شود و یک سال بعد دادگاه برای کریمی به اتهام جاسوسی برای سرویس انگلیس و اخ‌لال در نظام تولید از طریق واردات با همکاری بانک احکام زیر را صادر می‌کند. بیست سال حبس برای کریمی و مصادره کارخانه به نفع نادر، ده سال حبس برای رییس بانک و اعطای تسهیلات برای خرید مجدد دستگاه به نادر

نادر هم دستگاه برش لیزری را مجدد خریداری می‌کند و چرخ کارخانه را به حرکت در می‌آورد.